

مأموران پلیس مترو امانتدار ۲۰۰میلیون طلا



مأموران پلیس ایستگاه مترو وقتی یکی یک کوله پشتی پیدا کردند که داخل آن مقدار زیادی طلا بود، همه طلاها را به صاحب رساندند. به گزارش همشهری، این حادثه در ایستگاه مترو دروازه دولت تهران اتفاق افتاد. مأموران یگان حفاظت در حال گشت‌زنی در ایستگاه مترو بودند که یک کوله‌پشتی پیدا کردند. داخل آن ۳ انگشتر طلا، ۲ جفت گوشواره طلا، یک رشته گردنبند به همراه پلاک طلا و یک ساعت مچی که بخش‌هایی از آن از جنس طلا بود، وجود داشت. بر آورد اولیه نشان می داد که طلاهای کشف‌شده دست کم ۲۰۰میلیون تومان ارزش دارد. به این ترتیب، تلاش‌ها برای پیدا کردن صاحب طلاها آغاز شد. سردار عباس مسعودی، جانشین فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا در این باره گفت: پس از بررسی کارتهای شناسایی موجود در کوله معلوم شد صاحب طلاها خانمی حدود ۶۰ساله است. همکارانم با او تماس گرفتند و در کمتر از چند ساعت طلاهای کشف‌شده را به وی تحویل و به نگرانی اش پایان دادند.

آموزش

هشدار؛ به بهانه سهام عدالت حسابان را خالی نکنند



ارسال پیام با موضوع سهام عدالت یکی از ترفندهایی است که کلاهبرداران برای خالی کردن حساب‌های شهروندان ا آن استفاده می کنند. سر هتنگ رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتای البرز در این باره می گوید: بازدید شدن به ماه‌های پایانی سال و زمان پرداخت سود سهام عدالت، جنب و جوش سودجویان برای خالی کردن حساب هموطنان بیشتر می شود. کلاهبرداران سالیبر ی با توجه به زمان واریز سود سهام عدالت و به فراخور نیازهای جامعه علاوه بر ترفندهای مختلف، اقدام به تبلیغات و ارسال پیام با مضمون ثبت نام و سود سهام عدالت از کاربران کلاهبرداری می کنند. سرهتنگ جلیلیان در ادامه می گوید: کلاهبرداران سالیبری با ارسال پیامک‌های جعلی تحت این عناوین سعی در ترغیب افراد به کلیک روی لینک‌ار ساللی می کنند و سپس آنها را به درگاه بانکی جعلی می کشانند. سهیل انگاری و نا آگاهی کاربران سبب شده که کلاهبرداران از این فرصت سوءاستفاده کنند و برداشت غیرمجاز هر روز رو به افزایش باشد. لازم به ذکر است که پیامک‌های سازمانی و رسمی از سرشماره‌های معتبر ارسال می شود و کاربران به هیچ عنوان به لینک‌هایی که از طریق سرشماره‌های ناشناس و شخصی ارسال می شود مراجعه نکنند. هموطنان آگاه باشند سود سهام عدالت منتهی به سال ۱۴۰۲ هنوز پرداخت نشده و زمان پرداخت آن نیز مشخص نیست. برای هیچ‌یک از خدمات سهام عدالت پیامک یا نشانی در گاه اینترنتی فرستاده نمی‌شود و اگر سود سهام عدالت به حساب سهامدار واریز نشود، فرد باید به سامانه سجام به نشانی saejam.ir یا سامانه سهام عدالت به نشانی sahamedalalat.ir مراجعه و مشکل را برطرف کند.

کلاهبرداری ۳۰۰میلیونی از بیماران

مرد شیاد با پرسه‌زدن در بیمارستان‌ها خودش را از پرسنل آنجا معرفی و به بهانه ارسال تجهیزات از بیماران و همراهان شان کلاهبرداری می کرد. هرچند او موفق شد از ۳۱ نفر کلاهبرداری کند اما عاقبت دستگیر شد. به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس آگاهی در این باره از چندی قبل به‌دنبال چندین مورد کلاهبرداری از بیماران در یکی از استان‌های غربی کشور آغاز شد. شواهد نشان می داد مرد شیاد با پرسه‌زدن در بیمارستان‌ها و کلینیک‌های درمانی ضمن شناسایی بیماران یا همراهان آنها که همگی کم‌سود و ناآشنا به پروسه درمان بودند خودش را از پرسنل بیمارستان معرفی می کرد. او در ادامه اطلاعات درمانی آنها را دریافت و به بهانه ارسال تجهیزات، مبلغ هنگفتی دریافت می کرد و متواری می شد. سرهتنگ قائم‌عبدالله چولکی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا با اعلام جزئیات این پرونده گفت: کارآگاهان با انجام اقدامات اطلاعاتی ضمن شناسایی این کلاهبردار با انجام اقدامات پلیسی مخفیگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند. پلیس چولکی ادامه داد: متهم در تحقیقات انجام‌شده به کلاهبرداری ۳۰۰میلیون تومانی از ۳۱ نفر اعتراف کرد و در نهایت با صدور قرار قانونی روانه زندان شد.

دستگیری سرور موادفروش در عملیات شبانه ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران

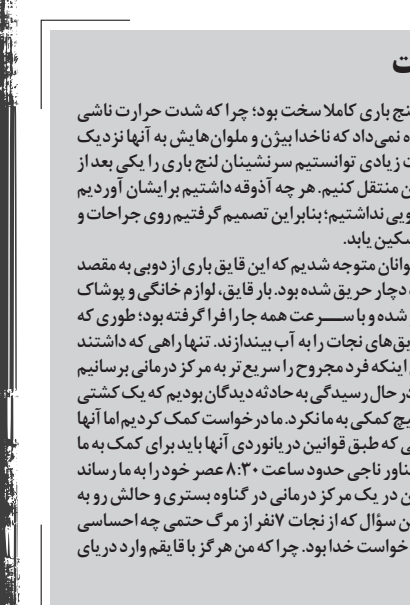
ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران در یک عملیات شبانه موفق شدند سروری را که در سطح گسترده اقدام به توزیع موادمخدر در شرق تهران می کرد، دستگیر کنند. از مخفیگاه این مرد ۴کیلو هروئین و شیشه کشف شد.



ناخدا ایرانی و ملوان هایش ۷سرنشین لنج آتش گرفته در دریا نجات دادند



بقیه او را داخل یک یخچال گذاشته و یخچال را به آب انداخته بودند. با توجه به توانایی بودن که به لنج رسیدیم، شدت حریق به حدی بود که سرنشینان لنج، برای نجات جانشان در آب پریده بودند. او ادامه می دهد: سرنشینان لنج ۷نفر بودند که یکی از آنها به‌شدت سوخته بود.



مکث

نجات سرنشینان لنج باری کاملاً سخت بود؛ چرا که شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی اجازه نمی داد که ناخدا بیژن و ملوان هایش به آنها نزدیک شوند. او ادامه می دهد: با تلاش و زحمت زیادی توانستیم سرنشینان لنج باری را یکی بعد از دیگری از آب بگیریم و به شناور خودمان منتقل کنیم. هر چه آذوقه داشتیم برایشان آوردیم اما برای فردی که سوخته بود، بهاد و دارویی نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم روی جراحات و سوختگی هایش آرد پریزیم تا درش تسکین یابد.

سید بیژن می گوید: بعد از نجات جان ملوانان متوجه شدیم که این قایق باری از دوبی به مقصد آبادان در حال حرکت بوده که در بین راه دچار حریق شده بود. بار قایق، لوازم خانگی و پوشاک بود و آتش‌سوزی از دینام موتور آغاز شده و با سرعت همه جا فرا گرفته بود؛ طوری که سرنشینان حتی فرصت پیدا نکردند قایق‌های نجات را به آب بیندازند. تنها راهی که داشتند پریدن در آب بود. او اضافه می کند: برای اینکه فرد مجروح را سریع تر به مرکز درمانی برسانیم از امداد و نجات دریایی کمک خواستیم. در حال رسیدگی به حادثه دیدگان بودیم که یک کشتی بزرگ باری خارجی از کنار ما رد شد اما هیچ کمکی به ما نکرد. ما درخواست کمک کردیم اما آنها برای کمک به ما توقف نکردند. در صورتی که طبق قوانین در یانوری آنها باید برای کمک به ما توقف می کردند. ناخدا ادامه می دهد: شناور ناجی حدود ساعت ۸:۲۰ عصر خود را به مار ساند و مجروح را از ما تحویل گرفت و او اکنون در یک مرکز درمانی در گناوه بستری و حالش رو به بهبودی است. ناخدا بیژن در پاسخ به این سؤال که از نجات ۷نفر از مرگ حتمی چه احساسی داری، می گوید: نجات یافتن آن ملوانان خواست خدا بود. چرا که من هرگز با قایقم وارد دریای توفانی نمی شوم.

سرگرمی عجیب

متهم مدعی است که شرکت در برنامه تلویزیونی باعث شهرت او شد که همین شهرت کار دست داد. گفت‌وگو با وی را می خوانید.

چه شد که از برنامه تلویزیونی و شعبده‌بازی رسیدی به سرقت؟
راستش این ایده را نسترن، یکی از طرفدارانم به من داد. در اینستاگرام با او آشنا شدم. او یکی از فالوئرهای من بود که صفحه مرا دنبال می کرد؛ چون من به واسطه شرکت در برنامه تلویزیونی معروف شده بودم. هر روز تعداد دنبال کننده‌هایم بیشتر می شد تا اینکه یک روز نسترن، پیامی به من داد و ابراز علاقه کرد. با او قرار گذاشتم و به تدریج از او خوشم آمد و عاشقش شدم.

در چه رشته‌ای در برنامه تلویزیونی شرکت کردی؟
من اکروبات‌کار و شعبده‌باز هستم و در این ۲ رشته شرکت کردم. بیشتر شعبده‌بازی می کردم. این حرفه را از کودکی یاد گرفته‌ام. همه به من می گویند آقای شعبده‌باز، فوت و فن‌های شعبده‌بازی را خوب بلدم و چون دیدم استعدادش را دارم در برنامه تلویزیونی شرکت کردم.

برگردیم سراغ پرونده سرقت‌ها بتان. چه شد که با همدستی دختر موردعلاقهات تصمیم به سرقت گرفتی؟

یک روز نسترن به من زنگ زد و گفت پودری پیدا کرده که روی ماشین‌های یزد تا شیشه جلوی ماشین‌ها را بشکند. به من گفت بیا تماشا کن؛ چون خودش یک جور شعبده‌بازی است. من هم رفتم و دیدم که نسترن پودر را روی شیشه جلوی ماشین ریخت و بعد شیشه شکست. راستش را بخواهید خیلی خوشم آمد. سرگرمی جالبی بود و به حرفه من هم مربوط می شد. کم کم تبدیل شد به عادت و برای تجربه این هیجان، هراز گاهی به بالای شهر می رفتم و پس از شناسایی خیابان‌هایی که در آنها دوربین مداربسته وجود نداشت، پودر را روی شیشه‌ها می ریختم و هرچه داخل بود را برمی داشتم.

بااموال سرقتی چه می کردی؟

اموال را نسترن به یک مالغز می فروخت و سهم مرا می داد. ما به اصلا به‌خاطر پول سرقت نمی کرد؛م چون نیاز مالی نداشتیم. حال‌ما به‌شدت نادم و پشیمان هستم.

انتقام عجیب عمه از برادرزاده

مستله باعث شده بود که عمه او نقشه انتقام‌جویی بکشد.

سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران سیا بیان این خبر گفت: با دستگیری ر عمه شاکي، وی متکر ماجرا شد و ادعا کرد که صاحب صفحه اینستاگرامی مورد نظر نیست و نمی داند چه کسی تصاویر خصوصی برادرزاده‌اش را منتشر کرده اما وقتی با شواهد و مستندات دیجیتال پلیس روبرو و شد، لب به اعتراف گشود. متهم گفت که به دلایل مشکلاتی که با برادرزاده‌اش داشته و برای تلافی و انتقام از وی، دست به این اقدام زده و یک صفحه اینستاگرامی ساخته و تمام همکاران و دوستان شاکي را عضو کرده و در نهایت نیز تصاویر خصوصی وی را منتشر کرده است. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به شهروندان توصیه کرد: فضای مجازی مکان مناسبی برای حل کردن اختلافات و همچنین انتقام‌جویی نیست و با مرتکبان این جرائم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی طبق قانون برخورد خواهد شد.



دستگیری سرور موادفروش در عملیات شبانه ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران

ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران در یک عملیات شبانه موفق شدند سروری را که در سطح گسترده اقدام به توزیع موادمخدر در شرق تهران می کرد، دستگیر کنند. از مخفیگاه این مرد ۴کیلو هروئین و شیشه کشف شد.



ناخدا ایرانی و ملوان هایش ۷سرنشین لنج آتش گرفته در دریا نجات دادند



یک لنج باری دچار حریق شده بود و در آتش می سوخت. حدود ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر بود که به لنج رسیدیم، شدت حریق به حدی بود که سرنشینان لنج، برای نجات جانشان در آب پریده بودند. او ادامه می دهد: سرنشینان لنج ۷نفر بودند که یکی از آنها به‌شدت سوخته بود.



مکث

نجات سرنشینان لنج باری کاملاً سخت بود؛ چرا که شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی اجازه نمی داد که ناخدا بیژن و ملوان هایش به آنها نزدیک شوند. او ادامه می دهد: با تلاش و زحمت زیادی توانستیم سرنشینان لنج باری را یکی بعد از دیگری از آب بگیریم و به شناور خودمان منتقل کنیم. هر چه آذوقه داشتیم برایشان آوردیم اما برای فردی که سوخته بود، بهاد و دارویی نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم روی جراحات و سوختگی هایش آرد پریزیم تا درش تسکین یابد.

سید بیژن می گوید: بعد از نجات جان ملوانان متوجه شدیم که این قایق باری از دوبی به مقصد آبادان در حال حرکت بوده که در بین راه دچار حریق شده بود. بار قایق، لوازم خانگی و پوشاک بود و آتش‌سوزی از دینام موتور آغاز شده و با سرعت همه جا فرا گرفته بود؛ طوری که سرنشینان حتی فرصت پیدا نکردند قایق‌های نجات را به آب بیندازند. تنها راهی که داشتند پریدن در آب بود. او اضافه می کند: برای اینکه فرد مجروح را سریع تر به مرکز درمانی برسانیم از امداد و نجات دریایی کمک خواستیم. در حال رسیدگی به حادثه دیدگان بودیم که یک کشتی بزرگ باری خارجی از کنار ما رد شد اما هیچ کمکی به ما نکرد. ما درخواست کمک کردیم اما آنها برای کمک به ما توقف نکردند. در صورتی که طبق قوانین در یانوری آنها باید برای کمک به ما توقف می کردند. ناخدا ادامه می دهد: شناور ناجی حدود ساعت ۸:۲۰ عصر خود را به مار ساند و مجروح را از ما تحویل گرفت و او اکنون در یک مرکز درمانی در گناوه بستری و حالش رو به بهبودی است. ناخدا بیژن در پاسخ به این سؤال که از نجات ۷نفر از مرگ حتمی چه احساسی داری، می گوید: نجات یافتن آن ملوانان خواست خدا بود. چرا که من هرگز با قایقم وارد دریای توفانی نمی شوم.

سرگرمی عجیب

متهم مدعی است که شرکت در برنامه تلویزیونی باعث شهرت او شد که همین شهرت کار دست داد. گفت‌وگو با وی را می خوانید.

چه شد که از برنامه تلویزیونی و شعبده‌بازی رسیدی به سرقت؟
راستش این ایده را نسترن، یکی از طرفدارانم به من داد. در اینستاگرام با او آشنا شدم. او یکی از فالوئرهای من بود که صفحه مرا دنبال می کرد؛ چون من به واسطه شرکت در برنامه تلویزیونی معروف شده بودم. هر روز تعداد دنبال کننده‌هایم بیشتر می شد تا اینکه یک روز نسترن، پیامی به من داد و ابراز علاقه کرد. با او قرار گذاشتم و به تدریج از او خوشم آمد و عاشقش شدم.

در چه رشته‌ای در برنامه تلویزیونی شرکت کردی؟
من اکروبات‌کار و شعبده‌باز هستم و در این ۲ رشته شرکت کردم. بیشتر شعبده‌بازی می کردم. این حرفه را از کودکی یاد گرفته‌ام. همه به من می گویند آقای شعبده‌باز، فوت و فن‌های شعبده‌بازی را خوب بلدم و چون دیدم استعدادش را دارم در برنامه تلویزیونی شرکت کردم.

برگردیم سراغ پرونده سرقت‌ها بتان. چه شد که با همدستی دختر موردعلاقهات تصمیم به سرقت گرفتی؟

یک روز نسترن به من زنگ زد و گفت پودری پیدا کرده که روی ماشین‌های یزد تا شیشه جلوی ماشین‌ها را بشکند. به من گفت بیا تماشا کن؛ چون خودش یک جور شعبده‌بازی است. من هم رفتم و دیدم که نسترن پودر را روی شیشه جلوی ماشین ریخت و بعد شیشه شکست. راستش را بخواهید خیلی خوشم آمد. سرگرمی جالبی بود و به حرفه من هم مربوط می شد. کم کم تبدیل شد به عادت و برای تجربه این هیجان، هراز گاهی به بالای شهر می رفتم و پس از شناسایی خیابان‌هایی که در آنها دوربین مداربسته وجود نداشت، پودر را روی شیشه‌ها می ریختم و هرچه داخل بود را برمی داشتم.

بااموال سرقتی چه می کردی؟

اموال را نسترن به یک مالغز می فروخت و سهم مرا می داد. ما به اصلا به‌خاطر پول سرقت نمی کرد؛م چون نیاز مالی نداشتیم. حال‌ما به‌شدت نادم و پشیمان هستم.

انتقام عجیب عمه از برادرزاده

مستله باعث شده بود که عمه او نقشه انتقام‌جویی بکشد.

سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران سیا بیان این خبر گفت: با دستگیری ر عمه شاکي، وی متکر ماجرا شد و ادعا کرد که صاحب صفحه اینستاگرامی مورد نظر نیست و نمی داند چه کسی تصاویر خصوصی برادرزاده‌اش را منتشر کرده اما وقتی با شواهد و مستندات دیجیتال پلیس روبرو و شد، لب به اعتراف گشود. متهم گفت که به دلایل مشکلاتی که با برادرزاده‌اش داشته و برای تلافی و انتقام از وی، دست به این اقدام زده و یک صفحه اینستاگرامی ساخته و تمام همکاران و دوستان شاکي را عضو کرده و در نهایت نیز تصاویر خصوصی وی را منتشر کرده است. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به شهروندان توصیه کرد: فضای مجازی مکان مناسبی برای حل کردن اختلافات و همچنین انتقام‌جویی نیست و با مرتکبان این جرائم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی طبق قانون برخورد خواهد شد.

دستگیری سرور موادفروش در عملیات شبانه ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران

ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران در یک عملیات شبانه موفق شدند سروری را که در سطح گسترده اقدام به توزیع موادمخدر در شرق تهران می کرد، دستگیر کنند. از مخفیگاه این مرد ۴کیلو هروئین و شیشه کشف شد.



ناخدا ایرانی و ملوان هایش ۷سرنشین لنج آتش گرفته در دریا نجات دادند



یک لنج باری دچار حریق شده بود و در آتش می سوخت. حدود ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر بود که به لنج رسیدیم، شدت حریق به حدی بود که سرنشینان لنج، برای نجات جانشان در آب پریده بودند. او ادامه می دهد: سرنشینان لنج ۷نفر بودند که یکی از آنها به‌شدت سوخته بود.



مکث

نجات سرنشینان لنج باری کاملاً سخت بود؛ چرا که شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی اجازه نمی داد که ناخدا بیژن و ملوان هایش به آنها نزدیک شوند. او ادامه می دهد: با تلاش و زحمت زیادی توانستیم سرنشینان لنج باری را یکی بعد از دیگری از آب بگیریم و به شناور خودمان منتقل کنیم. هر چه آذوقه داشتیم برایشان آوردیم اما برای فردی که سوخته بود، بهاد و دارویی نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم روی جراحات و سوختگی هایش آرد پریزیم تا درش تسکین یابد.

سید بیژن می گوید: بعد از نجات جان ملوانان متوجه شدیم که این قایق باری از دوبی به مقصد آبادان در حال حرکت بوده که در بین راه دچار حریق شده بود. بار قایق، لوازم خانگی و پوشاک بود و آتش‌سوزی از دینام موتور آغاز شده و با سرعت همه جا فرا گرفته بود؛ طوری که سرنشینان حتی فرصت پیدا نکردند قایق‌های نجات را به آب بیندازند. تنها راهی که داشتند پریدن در آب بود. او اضافه می کند: برای اینکه فرد مجروح را سریع تر به مرکز درمانی برسانیم از امداد و نجات دریایی کمک خواستیم. در حال رسیدگی به حادثه دیدگان بودیم که یک کشتی بزرگ باری خارجی از کنار ما رد شد اما هیچ کمکی به ما نکرد. ما درخواست کمک کردیم اما آنها برای کمک به ما توقف نکردند. در صورتی که طبق قوانین در یانوری آنها باید برای کمک به ما توقف می کردند. ناخدا ادامه می دهد: شناور ناجی حدود ساعت ۸:۲۰ عصر خود را به مار ساند و مجروح را از ما تحویل گرفت و او اکنون در یک مرکز درمانی در گناوه بستری و حالش رو به بهبودی است. ناخدا بیژن در پاسخ به این سؤال که از نجات ۷نفر از مرگ حتمی چه احساسی داری، می گوید: نجات یافتن آن ملوانان خواست خدا بود. چرا که من هرگز با قایقم وارد دریای توفانی نمی شوم.

سرگرمی عجیب

متهم مدعی است که شرکت در برنامه تلویزیونی باعث شهرت او شد که همین شهرت کار دست داد. گفت‌وگو با وی را می خوانید.

چه شد که از برنامه تلویزیونی و شعبده‌بازی رسیدی به سرقت؟
راستش این ایده را نسترن، یکی از طرفدارانم به من داد. در اینستاگرام با او آشنا شدم. او یکی از فالوئرهای من بود که صفحه مرا دنبال می کرد؛ چون من به واسطه شرکت در برنامه تلویزیونی معروف شده بودم. هر روز تعداد دنبال کننده‌هایم بیشتر می شد تا اینکه یک روز نسترن، پیامی به من داد و ابراز علاقه کرد. با او قرار گذاشتم و به تدریج از او خوشم آمد و عاشقش شدم.

در چه رشته‌ای در برنامه تلویزیونی شرکت کردی؟
من اکروبات‌کار و شعبده‌باز هستم و در این ۲ رشته شرکت کردم. بیشتر شعبده‌بازی می کردم. این حرفه را از کودکی یاد گرفته‌ام. همه به من می گویند آقای شعبده‌باز، فوت و فن‌های شعبده‌بازی را خوب بلدم و چون دیدم استعدادش را دارم در برنامه تلویزیونی شرکت کردم.

برگردیم سراغ پرونده سرقت‌ها بتان. چه شد که با همدستی دختر موردعلاقهات تصمیم به سرقت گرفتی؟

یک روز نسترن به من زنگ زد و گفت پودری پیدا کرده که روی ماشین‌های یزد تا شیشه جلوی ماشین‌ها را بشکند. به من گفت بیا تماشا کن؛ چون خودش یک جور شعبده‌بازی است. من هم رفتم و دیدم که نسترن پودر را روی شیشه جلوی ماشین ریخت و بعد شیشه شکست. راستش را بخواهید خیلی خوشم آمد. سرگرمی جالبی بود و به حرفه من هم مربوط می شد. کم کم تبدیل شد به عادت و برای تجربه این هیجان، هراز گاهی به بالای شهر می رفتم و پس از شناسایی خیابان‌هایی که در آنها دوربین مداربسته وجود نداشت، پودر را روی شیشه‌ها می ریختم و هرچه داخل بود را برمی داشتم.

بااموال سرقتی چه می کردی؟

اموال را نسترن به یک مالغز می فروخت و سهم مرا می داد. ما به اصلا به‌خاطر پول سرقت نمی کرد؛م چون نیاز مالی نداشتیم. حال‌ما به‌شدت نادم و پشیمان هستم.

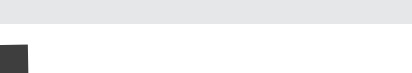
انتقام عجیب عمه از برادرزاده

مستله باعث شده بود که عمه او نقشه انتقام‌جویی بکشد.

سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران سیا بیان این خبر گفت: با دستگیری ر عمه شاکي، وی متکر ماجرا شد و ادعا کرد که صاحب صفحه اینستاگرامی مورد نظر نیست و نمی داند چه کسی تصاویر خصوصی برادرزاده‌اش را منتشر کرده اما وقتی با شواهد و مستندات دیجیتال پلیس روبرو و شد، لب به اعتراف گشود. متهم گفت که به دلایل مشکلاتی که با برادرزاده‌اش داشته و برای تلافی و انتقام از وی، دست به این اقدام زده و یک صفحه اینستاگرامی ساخته و تمام همکاران و دوستان شاکي را عضو کرده و در نهایت نیز تصاویر خصوصی وی را منتشر کرده است. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به شهروندان توصیه کرد: فضای مجازی مکان مناسبی برای حل کردن اختلافات و همچنین انتقام‌جویی نیست و با مرتکبان این جرائم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی طبق قانون برخورد خواهد شد.



موبایل قاپی در تصادف ساختگی ۲سارق زورگیر که بعد از ایجاد تصادفی ساختگی دست به سرقت موبایل طعمه‌هایشان می‌زدند، دستگیر شدند. متهمان ابتدا با موتور به آینه یا سپر ماشین‌ها می‌زدند و وقتی مالباخته پیاده می‌شد، گوشی او را سرقت می‌کردند. آنها به ۶ فقره سرقت اعتراف کردند.



ناخدا ایرانی و ملوان هایش ۷سرنشین لنج آتش گرفته در دریا نجات دادند



یک لنج باری دچار حریق شده بود و در آتش می سوخت. حدود ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر بود که به لنج رسیدیم، شدت حریق به حدی بود که سرنشینان لنج، برای نجات جانشان در آب پریده بودند. او ادامه می دهد: سرنشینان لنج ۷نفر بودند که یکی از آنها به‌شدت سوخته بود.



مکث

نجات سرنشینان لنج باری کاملاً سخت بود؛ چرا که شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی اجازه نمی داد که ناخدا بیژن و ملوان هایش به آنها نزدیک شوند. او ادامه می دهد: با تلاش و زحمت زیادی توانستیم سرنشینان لنج باری را یکی بعد از دیگری از آب بگیریم و به شناور خودمان منتقل کنیم. هر چه آذوقه داشتیم برایشان آوردیم اما برای فردی که سوخته بود، بهاد و دارویی نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم روی جراحات و سوختگی هایش آرد پریزیم تا درش تسکین یابد.

سید بیژن می گوید: بعد از نجات جان ملوانان متوجه شدیم که این قایق باری از دوبی به مقصد آبادان در حال حرکت بوده که در بین راه دچار حریق شده بود. بار قایق، لوازم خانگی و پوشاک بود و آتش‌سوزی از دینام موتور آغاز شده و با سرعت همه جا فرا گرفته بود؛ طوری که سرنشینان حتی فرصت پیدا نکردند قایق‌های نجات را به آب بیندازند. تنها راهی که داشتند پریدن در آب بود. او اضافه می کند: برای اینکه فرد مجروح را سریع تر به مرکز درمانی برسانیم از امداد و نجات دریایی کمک خواستیم. در حال رسیدگی به حادثه دیدگان بودیم که یک کشتی بزرگ باری خارجی از کنار ما رد شد اما هیچ کمکی به ما نکرد. ما درخواست کمک کردیم اما آنها برای کمک به ما توقف نکردند. در صورتی که طبق قوانین در یانوری آنها باید برای کمک به ما توقف می کردند. ناخدا ادامه می دهد: شناور ناجی حدود ساعت ۸:۲۰ عصر خود را به مار ساند و مجروح را از ما تحویل گرفت و او اکنون در یک مرکز درمانی در گناوه بستری و حالش رو به بهبودی است. ناخدا بیژن در پاسخ به این سؤال که از نجات ۷نفر از مرگ حتمی چه احساسی داری، می گوید: نجات یافتن آن ملوانان خواست خدا بود. چرا که من هرگز با قایقم وارد دریای توفانی نمی شوم.

سرگرمی عجیب

متهم مدعی است که شرکت در برنامه تلویزیونی باعث شهرت او شد که همین شهرت کار دست داد. گفت‌وگو با وی را می خوانید.

چه شد که از برنامه تلویزیونی و شعبده‌بازی رسیدی به سرقت؟
راستش این ایده را نسترن، یکی از طرفدارانم به من داد. در اینستاگرام با او آشنا شدم. او یکی از فالوئرهای من بود که صفحه مرا دنبال می کرد؛ چون من به واسطه شرکت در برنامه تلویزیونی معروف شده بودم. هر روز تعداد دنبال کننده‌هایم بیشتر می شد تا اینکه یک روز نسترن، پیامی به من داد و ابراز علاقه کرد. با او قرار گذاشتم و به تدریج از او خوشم آمد و عاشقش شدم.

در چه رشته‌ای در برنامه تلویزیونی شرکت کردی؟
من اکروبات‌کار و شعبده‌باز هستم و در این ۲ رشته شرکت کردم. بیشتر شعبده‌بازی می کردم. این حرفه را از کودکی یاد گرفته‌ام. همه به من می گویند آقای شعبده‌باز، فوت و فن‌های شعبده‌بازی را خوب بلدم و چون دیدم استعدادش را دارم در برنامه تلویزیونی شرکت کردم.

برگردیم سراغ پرونده سرقت‌ها بتان. چه شد که با همدستی دختر موردعلاقهات تصمیم به سرقت گرفتی؟

یک روز نسترن به من زنگ زد و گفت پودری پیدا کرده که روی ماشین‌های یزد تا شیشه جلوی ماشین‌ها را بشکند. به من گفت بیا تماشا کن؛ چون خودش یک جور شعبده‌بازی است. من هم رفتم و دیدم که نسترن پودر را روی شیشه جلوی ماشین ریخت و بعد شیشه شکست. راستش را بخواهید خیلی خوشم آمد. سرگرمی جالبی بود و به حرفه من هم مربوط می شد. کم کم تبدیل شد به عادت و برای تجربه این هیجان، هراز گاهی به بالای شهر می رفتم و پس از شناسایی خیابان‌هایی که در آنها دوربین مداربسته وجود نداشت، پودر را روی شیشه‌ها می ریختم و هرچه داخل بود را برمی داشتم.

بااموال سرقتی چه می کردی؟

اموال را نسترن به یک مالغز می فروخت و سهم مرا می داد. ما به اصلا به‌خاطر پول سرقت نمی کرد؛م چون نیاز مالی نداشتیم. حال‌ما به‌شدت نادم و پشیمان هستم.

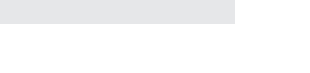
انتقام عجیب عمه از برادرزاده

مستله باعث شده بود که عمه او نقشه انتقام‌جویی بکشد.

سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران سیا بیان این خبر گفت: با دستگیری ر عمه شاکي، وی متکر ماجرا شد و ادعا کرد که صاحب صفحه اینستاگرامی مورد نظر نیست و نمی داند چه کسی تصاویر خصوصی برادرزاده‌اش را منتشر کرده اما وقتی با شواهد و مستندات دیجیتال پلیس روبرو و شد، لب به اعتراف گشود. متهم گفت که به دلایل مشکلاتی که با برادرزاده‌اش داشته و برای تلافی و انتقام از وی، دست به این اقدام زده و یک صفحه اینستاگرامی ساخته و تمام همکاران و دوستان شاکي را عضو کرده و در نهایت نیز تصاویر خصوصی وی را منتشر کرده است. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ به شهروندان توصیه کرد: فضای مجازی مکان مناسبی برای حل کردن اختلافات و همچنین انتقام‌جویی نیست و با مرتکبان این جرائم در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی طبق قانون برخورد خواهد شد.



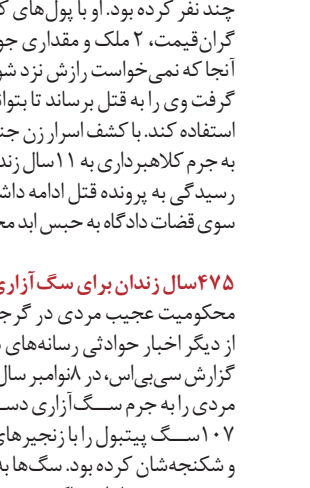
موبایل قاپی در تصادف ساختگی ۲سارق زورگیر که بعد از ایجاد تصادفی ساختگی دست به سرقت موبایل طعمه‌هایشان می‌زدند، دستگیر شدند. متهمان ابتدا با موتور به آینه یا سپر ماشین‌ها می‌زدند و وقتی مالباخته پیاده می‌شد، گوشی او را سرقت می‌کردند. آنها به ۶ فقره سرقت اعتراف کردند.



ناخدا ایرانی و ملوان هایش ۷سرنشین لنج آتش گرفته در دریا نجات دادند



یک لنج باری دچار حریق شده بود و در آتش می سوخت. حدود ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر بود که به لنج رسیدیم، شدت حریق به حدی بود که سرنشینان لنج، برای نجات جانشان در آب پریده بودند. او ادامه می دهد: سرنشینان لنج ۷نفر بودند که یکی از آنها به‌شدت سوخته بود.



مکث

نجات سرنشینان لنج باری کاملاً سخت بود؛ چرا که شدت حرارت ناشی از آتش‌سوزی اجازه نمی داد که ناخدا بیژن و ملوان هایش به آنها نزدیک شوند. او ادامه می دهد: با تلاش و زحمت زیادی توانستیم سرنشینان لنج باری را یکی بعد از دیگری از آب بگیریم و به شناور خودمان منتقل کنیم. هر چه آذوقه داشتیم برایشان آوردیم اما برای فردی که سوخته بود، بهاد و دارویی نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم روی جراحات و سوختگی هایش آرد پریزیم تا درش تسکین یابد.

سید بیژن می گوید: بعد از نجات جان ملوانان متوجه شدیم که این قایق باری از دوبی به مقصد آبادان در حال حرکت بوده که در بین راه دچار حریق شده بود. بار قایق، لوازم خانگی و پوشاک بود و آتش‌سوزی از دینام موتور آغاز شده و با سرعت همه جا فرا گرفته بود؛ طوری که سرنشینان حتی فرصت پیدا نکردند قایق‌های نجات را به آب بیندازند. تنها راهی که داشتند پریدن در آب بود. او اضافه می کند: برای اینکه فرد مجروح را سریع تر به مرکز درمانی برسانیم از امداد و نجات دریایی کمک خواستیم. در حال رسیدگی به حادثه دیدگان بودیم که یک کشتی بزرگ باری خارجی از کنار ما رد شد اما هیچ کمکی به ما نکرد. ما درخواست کمک کردیم اما آنها برای کمک به ما توقف نکردند. در صورتی که طبق قوانین در یانوری آنها باید برای کمک به ما توقف می کردند. ناخدا ادامه می دهد: شناور ناجی حدود ساعت ۸:۲۰ عصر خود را به مار ساند و مجروح را از ما تحویل گرفت و او اکنون در یک مرکز درمانی در گناوه بستری و حالش رو به بهبود